

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۱۹ جون ۲۰۱۳

زانو زدن اوباما و امیر قطر در پای ملا عمر

همان طوری که از طریق رسانه های جمعی به خصوص رسانه های امپریالیستی و اداره مستعمراتی کابل اطلاع یافته اید، امروز یعنی تاریخ ۱۸ جون ۲۰۱۳، دولت قطر به پیروی از فرمان مستقیم امریکا و نفوذ پاکستان بر آن کشور، دفتری را برای پیروان «ملا محمد عمر» افتتاح نمود. با آن که در ظاهر رسانه های امپریالیستی غرب و اداره مستعمراتی کابل، افتتاح دفتر را گام مثبتی جهت رسیدن به صلح و ختم جنگ اعلام می دارند، مگر واقعیت قضیه کاملاً عکس آن بوده، در واقع می تواند به پس گرفتن شناسائی دولتهای امریکا، پاکستان و قطر از دولت دست نشانده کابل تعبیر گردد، چه:

گذشته از آن که امپریالیزم جنایت گستر امریکا، که حین تجاوز و اشغال خونبار میهن ما، با کشیدن نقاب دموکراسی، اهدافش را مبارزه علیه تروریسم، تأمین آزادی های دموکراتیک، تأمین حقوق بشر، حقوق زن و باز سازی افغانستان اعلام داشته شرکای جنایتش را به همان بهانه به دنبال خویش کشانید، و اینک که حدود ۱۲ سال از آن زمان می گذرد، همان طوری که از اول هم نوشته بودم، بنا بر خصلت و ماهیت سیاست های اشغالگرانه اش، نمی توانست در آن زمینه ها کاری انجام دهد و در نتیجه هیچ یک از اهداف اعلام شده اش تحقق نیافته است، از چندی بدین سو، که واشنگتن در زیر بار مصارف این اشغالگری و تبعات اقتصادی و سیاسی آن به مانند یک حیوان بسمل، دست و پا می زند؛ جهت نجاتش از شکست کامل و رسیدن به خواسته های ستراتیژیکش با وسایل دیگر، به تمام اهدافی که در قبل اعلام نموده بود پشت پا زده، تمام تلاشش را به این امر محدود ساخته بود که اولاً طالبان دولت دست نشانده را به رسمیت بشناسد، در ثانی به قانون به اصطلاح اساسی آن دولت دست نشانده تمکین نماید، ثالثاً حقوق زن را به رسمیت بشناسد، رابعاً اصل احترام حقوق بشر را بپذیرد و خامساً با تروریسم بین المللی در وجود القاعده قطع رابطه نماید.

خلاف این ۵ شرط اعلام شده، امپریالیزم جنایت گستر امریکا شرط دیگری را نیز جهت آغاز همکاری مجدد با طالب در نظر داشت که هیچ گاهی آن را به زبان نمی آورد. شرط به رسمیت شناختن حق قیمومیت امپریالیزم امریکا بر افغانستان، خارج از آن که چه کس و یا کسانی در رأس دولت دست نشانده قرار داشته باشد.

مقاومت سرسختانه طالب به حمایت مستقیم و غیر مستقیم پاکستان و ایران و عدم هماهنگی خواسته ها و اهداف امپریالیزم در افغانستان با خواسته ها و اهداف منطقه ای و جهانی اش که از تونس الی پاکستان، نیروهای ارتجاعی اخوان را به مثابه شرکای ستراتیژیک خود بر گزیده است، باعث گردید تا طالب و حامیان و مشاورانش متوجه این نقطه ضعف امپریالیزم گردیده، بدون آن که کمترین امتیازی در زمینه اهداف اعلام شده برایش بدهند، خواستار شناسائی مستقیم خویش بگردند.

در چنین فضائی است که دولت قطر توظیف می‌گردد تا جهت افتتاح دفتر ملا محمد عمر در قطر، تلاش نماید، تلاشی که اینک نتیجه آن اعلام می‌گردد. با آن که نفس افتتاح دفتر طالب برای امپریالیزم امریکا که می‌خواست با زور توپ و تانک و درون و ب. ۵۲، اراده طالب را بشکند، شکستی است ستراتیژیک، که اگر امروز به اساس حاکمیت بی‌چون و چرای امپریالیزم بر رسانه‌های خبری کسی از آن یاد نمی‌کند، به یقین تاریخ آن را در سینه‌اش حفظ نموده و فردا از آن یادآوری خواهد نمود، مگر آنچه اینک اتفاق افتاد از لحاظ سیاسی به مراتب از اهمیت بیشتر برخوردار می‌باشد. چه گذشته از آن که طالب هیچ یک از شروط، اشغالگران و شرکایش را نپذیرفت و حاضر نشد تا با دولت دست‌نشانده پای صحبت بنشیند، دفتر را نیز نه به نام دفتر طالب، بلکه به عنوان «نماینده‌ی امارت اسلامی افغانستان» افتتاح نمود. یعنی در واقع سفارت خویش را در قطر افتتاح کرد.

از آن جایی که در عرف روابط بین‌المللی، هیچ‌گاهى اتفاق نیفتاده که برای یک سرزمین واحد دو نمایندگی سیاسی به رسمیت شناخته شود، افتتاح «نماینده‌ی امارت اسلامی افغانستان» در قطر، معنای ضمنی را که با خود حمل می‌نماید، سلب شناسائی دولت‌های ذی‌ربط با قضیه، از دولت پوشالی کرزی می‌باشد.

به تعبیر دیگر طالب بدون آن که در اهداف افتتاح دفتر تذکر داده باشد و اساساً بر روی خود بیاورد، در عین حالی که «جهاد» آزادیخواهانه علیه اشغالگران را به مثابه یک تکلیف شرعی گوشزد می‌نماید، مگر با اگر و مگر موجودیت قوای اشغالگر را در افغانستان به رسمیت شناخته، در واقع به شرط ناگفته امریکا که حاکمیت بلامنازع آن در منطقه و افغانستان است، مهر تأیید می‌زند؛ بالمقابل امریکا، پاکستان و قطر هم بدون آن که تذکر دهند با به رسمیت شناختن دفتر نمایندگی به مثابه «نماینده‌ی امارت اسلامی افغانستان»، شناسائی شان را از دولت مستعمراتی کابل پس می‌گیرند.

این که چنین عقبگرد متقابل و تفاهم برخاسته از آن به وسیله طرفین یک تفاهم ستراتیژیک است یا استفاده‌های تکنیکی از آن مورد نظر است، نمی‌توان در مقطع کنونی به صورت قطع در مورد آن حکم نمود، چه به همان اندازه که این حرکت بر مبنای زیر فشار قرار دادن دولت دست‌نشانده جهت امضای بدون نق و فق، قرار داد امنیتی با امپریالیزم امریکا و صحه‌گذاری بر معاهده دیورند، می‌تواند از جانب امریکا و پاکستان یک حرکت تکنیکی به منظور به زانو در آوردن دولت دست‌نشانده باشد و از ملا محمد عمر می‌تواند صرف یک استفاده ابزاری صورت گرفته باشد، به همان اندازه می‌تواند تلاش جهت جا به جایی دولت دست‌نشانده به اصطلاح متشکل از «سکولارها» با نیروهای طالب و اخوان‌سازمانیافته، به غرض به قدرت رسانیدن آن نیروها و تکمیل حلقه حاکمان مذهبی در تمام کشورهای به اصطلاح اسلامی و از آن طریق ضمن حل و فصل منازعات منطقه‌ئی- نمونه ایران- تداوم غارتگری و چپاول امپریالیستی را نیز تضمین نماید.

نباید فراموش نمود که افتتاح «نماینده‌ی امارت اسلامی افغانستان» در قطر دقیقاً همزمان است با به اصطلاح انتقال «امنیت» به اردوی دولت پوشالی. این تقارن زمانی هیچ چیزی را نمی‌تواند بازتاب دهد به غیر از این که امریکا با زبان حال شناسائی‌اش را از اداره مستعمراتی پس گرفته است.

هرکدام آن که منظور نظر باشد، فعلاً می‌توان به تمام آنهایی که منکر وضعیت اشغال شده افغانستان بوده و ادعای استقلال برای این کشور اشغال شده می‌نمودند، به خاطر مرگ ادعا هایشان، تسلیت گفت.

این رشته سر دراز دارد